

تمرکززدایی از تهران؛ راه‌حلی پایدارتر از انتقال پایتخت



می‌کنند، نه ما بیکار نیستیم، فقط احساس مسئولیت بی حد و حصری نسبت به این موضوع داریم. در مقابل حرف‌هایی که زده می‌شود ما هم باید حرف خود را بزنیم. اندیشمندان همیشه حرف‌های خود را مطرح کرده‌اند. اینکه مسئولان گوش می‌کنند یا نه به ما ربطی ندارد، ما باید حرف خود را به گوش جامعه برسانیم. باید دانست که نتایج درست همیشه از برخورد اندیشه‌ها به دست می‌آید. در زمان مهندس کازرونی بحث انتقال پایتخت مطرح شد اما آن طرح مفصل نشد. چند چیز در آن مطرح شد که اهمیت داشت؛ اول اینکه اگر دولت تصمیم بگیرد پایتخت را به جای دیگری ببرد مناسب‌ترین جا کجاست؟ بعد از تهیه این طرح ما به جلسه هیأت دولت رفتیم. برای پاسخ به این سؤال که پایتخت باید کجا برود، شما باید ایران را بشناسید همه چیز را کنار هم بگذارید و در کنار امکانات و محدودیت‌های دولت ایران بتوانید تصمیم بگیرید. همچنین لازم است نقشه پهنه‌بندی زلزله را ببینید، تراکم جمعیت را در نظر بگیرید و حساسیت‌های ژئوپلیتیکی ایران را مورد توجه قرار دهید. ارزیابی همه این مسائل از حمله اسکندر تا جنگ عراق نیاز به مطالعه دارد. هر کشوری خصوصیات خاص خود را دارد. ایران هم موقعیت خاصی دارد و انتقال پایتخت در آن به آسانی صورت نمی‌گیرد. ایران یک گذرگاه تاریخی است؛ در شرق و غرب ما حوزه‌های تمدنی وجود دارد که در طول تاریخ نه‌تنها داد و ستد داشته‌اند بلکه با هم جنگ و گریز هم داشته‌اند. مسئله دیگر این بود که اگر این طرح اجرا شود چقدر از جمعیت کم می‌شود. بر اساس آمار سال ۶۵ حدود ۱۱۲ هزار شغل ستادی داشتیم که برای تهران کار نمی‌کردند و برای کل کشور کار می‌کردند. جمع آن‌ها می‌شد ۴۵۰ هزار نفر. سؤال سومی که مطرح می‌شد این بود که در صورت انتقال پایتخت، هزینه آن چقدر است. باید گفت طبق برآورد آن زمان، برای شهر یک میلیون نفری در مرحله اول آماده‌سازی و تهیه نقشه‌ها هزینه ۱۲۰ میلیارد تومان می‌شد که پول کمی هم نبود. مورد چهارم این بود که انتقال کامل چقدر زمان می‌برد؟ انتقال کامل پایتخت ۲۵ سال طول می‌کشد. حال برای انتخاب پایتخت جدید با توجه به خصوصیات می‌گفتیم باید مکان تازه‌ای را در نظر می‌گرفتیم. پایتخت جدید نباید به یک شهر موجود منتقل شود. مثلاً سمنان که زمانی به‌عنوان گزینه‌ای برای انتقال پایتخت مطرح بود خودش مشکلات زیادی دارد، حالا ما برویم و مشکلات تهران را هم به آن اضافه کنیم. این طرح موفقیت‌آمیز نیست. در مورد اصفهان و شیراز و همدان هم وضعیت همین است به این می‌گویند بارگذاری غیرمتعارف، یعنی مشکلات اینجا را به آنجا اضافه می‌کنید. تهران یک تافته جداافتاده است و خصلت‌های خودش را دارد. شما نمی‌توانید این شهر را ببرید و در شکم یک شهر جدید قرار دهید. در این صورت، مسائل فرهنگی اجتماعی و انسانی جدیدی بروز می‌کند که تازه باید برای آن‌ها راه‌حل پیدا کرد. منشأ این حرف از آنجاست که در کشور ما انتگراسیون‌های فرهنگی و قومی هنوز شکل نگرفته‌اند. در یک شهر می‌بینید که می‌گویند «کرد محله» یا «ترک محله» و این جداسازی‌ها هنوز وجود دارد. مثلاً وقتی به منطقه ۱۹ تهران (کشتارگاه) بروید تصویری از مشکین شهر و سراب می‌بینید، به شرق تهران بروید تصویری از گرمسار و سمنان می‌بینید، غرب تهران از استان‌های زنجان و ترک زبان و آذربایجان آمده‌اند. به‌طور کلی هنوز درهم‌فنگی‌ها

درصد رسید. من نام اقدامی که علیه عدم تمرکز در تهران انجام شد را کودتا می‌گذارم. آخرین کودتا هم در منطقه ۲۲ بود و ساخت‌وسازهایی که در آن انجام شد. به هر حال این بار برای تهران سنگین است و باید سبک شود. زمانی گفتیم دانشگاه‌ها از تهران بیرون بروند ولی این طور شد که دانشجویان و اساتید صبح می‌رفتند و شب برمی‌گشتند. بنابراین این‌ها برای تهران کارساز نیست. حدود ۳۰ درصد ترافیک در تهران به علت مراجعات به مراکز سیاسی است. انتقال پایتخت یا باید به شهر موجود باشد مانند استانبول که به آنکارا منتقل شد، بن که به برلین منتقل شد یا باید به شهر جدید باشد مانند کراچی که به اسلام آباد و ریودوژانیرو که به برزیلیا منتقل شد. یک ایده دیگر این است که پایتخت جدید نزدیک به یک شهر بزرگ باشد. در این صورت خدمات شهر بزرگ از دستت نمی‌رود. مثلاً اگر پایتخت نزدیک شیراز باشد می‌توان از خدماتی که در شیراز هست استفاده کرد اما پایتخت آسیبی نبیند.

آقای برنارد هورکد، جغرافیادانی اهل فرانسه و متخصص در مورد ایران، مسئله جابه‌جایی پایتخت در ایران را بررسی کرده است. به نظر او مرکز سیاسی ایران باید در خراسان باشد. شهرهای جدیدی هم که دولت می‌خواهد بسازد و آن‌ها را در برنامه خود دارد می‌توانند مرکز سیاسی باشند. تغییر مرکزیت سیاسی به مشهد در دو هفته عید نوروز ممکن است، چون تمام ادارات



تهران در آنجا هم ستاد دارند هم مهمانسرا. کاسته شدن بار تهران یا عدم افزایش رشد سالیانه آن، به روند فعلی کمک می‌کند تا بتوان به تدریج به مشکلات آن فائق آمد و در میان‌مدت آن را به شهری قابل سکونت تبدیل کرد. ریشه تمرکز در تهران، برنامه‌ریزی بخشی است. اگر قرار است تهران سامان یابد، باید این مرکز تمرکز قدرت، ثروت، تصمیم‌گیری و جاذب فعالیت‌های گوناگون به جای دیگری برود. برای نجات تهران باید سر این مار را زد؛ حمله به بدنه یا دم آن بی‌فایده است و فقط او را عصبی‌تر و خطرناک‌تر می‌کند.

نتایج درست حاصل برخورد اندیشه‌هاست

در این قسمت از برنامه، دکتر محمدتقی رهنمایی نظرات خود را بیان کرد و به این سؤال که چه شد که تهران به این حال و روز درآمد پاسخ داد؛ شاید عده‌ای به حال ما بخندند که آیا این‌ها بیکارند که می‌آیند اینجا می‌نشینند و در مورد این قضایا صحبت

گزارش

چندی است که دوباره موضوع انتقال پایتخت داغ شده و بر سر زبان‌ها افتاده است. سی‌ام آبان ماه ۱۴۰۳، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، اعلام کرد تهران به‌عنوان پایتخت کشور با مشکلاتی دست به گریبان است که غیرقابل حل است. او چاره را در انتقال مرکزیت اقتصادی و سیاسی کشور به جنوب و نزدیک دریادید. بعد از آن محمدرضا عارف نیز پیرو سخنان پزشکیان، درباره احتمال انتخاب مکران به‌عنوان پایتخت آینده ایران سخن گفت. همین امر باعث شد صاحب‌نظران، اندیشمندان و سیاست‌ورزان وارد گود شوند و نظرات خود را در این زمینه بیان کنند. در همین راستا شنبه چهارم اسفندماه به همت خانه اندیشمندان علوم انسانی نشست دوم از سلسله نشست‌های مرتبط با تمرکززدایی و مسئله انتقال پایتخت برگزار شد. کامران صفامنش معمار، شهرساز و پژوهشگر حوزه مطالعات شهری، سهراب مشهودی رئیس گروه شهرسازی جامعه مهندسان و مشاوران و محمدتقی رهنمایی جغرافییدان و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران مهمانان این جلسه بودند و به ذکر دیدگاه‌های خود در رابطه با انتقال پایتخت و مسائل پیرامون آن پرداختند.

در ابتدای جلسه، دکتر مشهودی درباره زمینه‌های انتقال پایتخت و چگونگی آن و اینکه چرا تهران حالش بد است، سخنان خود را در چند محور ارائه کرد؛ اوایل انقلاب طرح تمرکززدایی از تهران در وزارت کشور مطرح شد. در سال ۱۳۶۸ هم طرح امکان‌سنجی جابه‌جایی مرکز سیاسی و اداری کشور عنوان شد که خیلی جدی دنبال نشد. سال ۱۳۷۸ طرحی با نظارت مهندس کازرونی، قائم مقام وزیر مسکن و شهرسازی برای تعادل بخشیدن به تهران با هدف اولیه جابه‌جایی مرکز سیاسی از تهران آغاز شد اما در مرحله بررسی متوقف ماند و به پیشنهاد راهبردی یا اقدام مشخصی منجر نشد. به همین ترتیب طرح‌هایی در سال‌های ۱۳۸۸ به وسیله گروه مهندسی رضا هاشمی، سال ۱۳۹۲ مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۱۳۹۴ زیر نظر شورای مشورت ملی در دفتر دکتر جهانگیری مطرح شد که تاکنون نتیجه‌ای دربر نداشته است. راه حل برای تهران جابه‌جایی نیست، بلکه تمرکززدایی سیاسی است.

راهبردهای شش‌گانه و تحول اقتصادی و اجتماعی

در پاسخ به مشکلات موجود و در راستای احیای عملکرد وزارتخانه و شرکت‌های وابسته به آن، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی شش راهبرد کلیدی را برای اصلاح ساختار و بهبود مدیریت این نگاه‌ها و شرکت‌های تابعه وزارتخانه اعلام کرده است. این دستورات عمل‌ها که به «راهبردهای شش‌گانه وزیر کار» معروف شده‌اند، به شرح زیر هستند:

- به کارگیری بومی اعضای هیئت‌مدیره: هدف از این اقدام، تضمین حضور مدیرانی است که با شرایط و مشکلات بومی آشنا هستند و می‌توانند با درک دقیق از نیازهای محلی، تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. حضور افراد بومی می‌تواند از ورود مدیران پروازی که اغلب فاقد آشنایی کافی با شرایط منطقه هستند، جلوگیری کند.
- استخدام نیرو از طریق آزمون‌های شفاف: برای حذف استخدام‌های مبتنی بر روابط شخصی و سیاسی، تأکید شده است که تمامی فرآیندهای جذب نیرو باید بر مبنای آزمون‌های عمومی و شفاف انجام گیرد. این رویکرد به تحقق عدالت شغلی و جذب افراد شایسته کمک خواهد کرد.
- جلوگیری از به کارگیری مدیران پروازی: مدیران پروازی که از خارج از منطقه به‌عنوان مدیران منصوب می‌شوند، اغلب با چالش‌های بومی آشنا نیستند و نمی‌توانند به درستی به مشکلات محلی پاسخ دهند. بنابراین، این دستورالعمل بر استفاده از مدیران محلی تأکید می‌کند.
- انتقال حساب‌های بانکی به مناطق محل فعالیت: به جای تمرکز منابع مالی در تهران، حساب‌های بانکی شرکت‌ها باید به مناطق محل فعالیت انتقال یابد تا سرمایه‌ها در همانجا انباشته شده و به توسعه محلی کمک کنند.
- انجام خریدهای تجهیزات در داخل استان: این دستورالعمل به منظور حمایت از تولیدات داخلی و ایجاد اشتغال در سطح استان‌ها تدوین شده است. با خرید تجهیزات و کالاها از داخل استان، نه تنها به رونق کسب‌وکارهای بومی کمک می‌شود، بلکه چرخه اقتصادی در سطح منطقه‌ای تقویت می‌گردد.
- اولویت‌بندی مسئولیت‌های اجتماعی با تأکید بر آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای: صنایع و شرکت‌ها باید بخشی از منابع خود را به مسئولیت‌های اجتماعی اختصاص دهند؛ از جمله سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که می‌تواند به ایجاد نیروی کار ماهر و بومی منجر شود.

اهداف اصلی این دستورالعمل‌ها عبارتند از:

- کاهش فساد و افزایش شفافیت: با حذف مدیران پروازی و به کارگیری افراد بومی، امکان نظارت دقیق‌تر و شفاف‌تر بر عملکرد شرکت‌ها فراهم می‌شود.
- ایجاد عدالت شغلی و فرصت‌های برابر: استخدام نیرو از طریق آزمون‌های عمومی موجب جذب افراد شایسته و کاهش تبعیض در محیط‌های کاری خواهد شد.
- توسعه متوازن منطقه‌ای: انتقال منابع مالی به مناطق محل فعالیت و انجام خریدهای داخلی، زمینه‌ساز توسعه متوازن اقتصادی در سراسر کشور و کاهش تمرکز در تهران خواهد بود.
- بهبود عملکرد اقتصادی شرکت‌ها: با حذف ساختارهای ناکارآمد و کاهش زیان‌ده بودن شرکت‌ها، منابع عمومی به سمت فعالیت‌های مولد و اقتصادی هدایت می‌شود.

چالش‌های پیش‌رو

با وجود اهداف دستورالعمل‌های شش‌گانه، اجرای آن‌ها با چالش‌های جدی نیز همراه است. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به مقاومت در برابر تغییرات از سوی گروه‌های ذی‌نفع، ساختارهای بوروکراتیک عمیق و عدم هماهنگی میان نهادهای نظارتی اشاره کرد. برای رفع این مشکلات، نیاز به اراده سیاسی قوی و ایجاد سازوکارهای نظارتی دقیق از سوی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشور احساس می‌شود.

توسعه متوازن منطقه‌ای

یکی از مسائل بنیادی در اقتصاد ایران، عدم تعادل منطقه‌ای و تمرکز منابع و سرمایه در پایتخت، به ویژه تهران است. توسعه متوازن منطقه‌ای نه تنها می‌تواند به کاهش نابرابری‌های جغرافیایی کمک کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های شغلی در استان‌های مختلف و کاهش مهاجرت روستا به شهر خواهد بود. در این راستا، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با صدور دستورالعمل‌های شش‌گانه، سعی دارد الگوی توسعه‌ای را ایجاد کند که در آن منابع و سرمایه‌های تولیدی به همان محل انباشته شده و از انتقال بیش از حد آن‌ها به تهران جلوگیری شود. به‌عنوان نمونه، بندر ماهشهر به‌عنوان قطب پتروشیمی کشور، نمونه‌ای بارز از نابرابری‌های منطقه‌ای است. علی‌رغم درآمدهای کلان حاصل از صنایع پتروشیمی، این منطقه از نظر خدمات شهری و زیرساخت‌های حیاتی مانند شبکه فاضلاب و جمع‌آوری زباله، در وضعیت نابسامانی قرار دارد. از سوی دیگر، مدیران و مسئولین اکثر شرکت‌های وابسته به وزارت تعاون در این منطقه، عمدتاً از خارج از منطقه منصوب می‌شوند که این امر به عدم هماهنگی با شرایط محلی منجر شده است. اجرای دستورالعمل‌های شش‌گانه در ماهشهر می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر استان‌ها در راستای توسعه متوازن منطقه‌ای مطرح شود.

اهداف اصلی

- با بومی‌سازی مدیران و استخدام نیرو از طریق آزمون‌های شفاف، فرصت‌های شغلی برای جوانان محلی افزایش یافته و از تکیه بر نیروهای سیاسی در استخدام جلوگیری می‌شود. این موضوع نه تنها باعث ایجاد انگیزه در میان افراد شایسته می‌شود، بلکه به بهبود کیفیت خدمات و افزایش بهره‌وری شرکت‌های دولتی کمک خواهد کرد و ایجاد عدالت اجتماعی و اشتغال بومی را رقم می‌زند. از طرفی انتقال حساب‌های بانکی به مناطق محل فعالیت و انجام خریدهای داخلی، موجب می‌شود تا سرمایه‌های تولیدی در همان منطقه به گردش درآیند و زمینه توسعه اقتصادی محلی فراهم شود.

تأثیرات گسترده

با توجه به گزارش‌های موجود و تجربیات گذشته، اجرای موفق اصلاحات در وزارت تعاون می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در سایر نهادهای دولتی داشته باشد. اگر اصلاحات و راهکارهای شش‌گانه به‌طور کامل اجرا شوند، شاهد کاهش تمرکز منابع در تهران، افزایش اشتغال بومی، توسعه متوازن منطقه‌ای و نهایتاً بهبود عملکرد اقتصادی کشور خواهیم بود. این تحولات علاوه بر بهبود شرایط زندگی کارگران و بازنشستگان، می‌تواند موجبات رشد اقتصادی پایدار و ارتقای عدالت اجتماعی در سطح کشور را فراهم آورد.

در نهایت، موفقیت در اجرای این سیاست‌ها نیازمند همت و اراده سیاسی قوی، نظارت دقیق و هماهنگی میان تمامی نهادهای مرتبط است. تنها با همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و جامعه مدنی می‌توان به شکلی واقعی به رفع مشکلات ساختاری پرداخت و زمینه‌ساز تحول اقتصادی و اجتماعی در کشور شد. به عبارت دیگر، موفقیت در اصلاح ساختار و مدیریت شرکت‌های زیان‌ده زیر نظر وزارت تعاون، مسئله‌ای اقتصادی و یک ضرورت اجتماعی و سیاسی است که گامی در جهت تحقق اهداف توسعه متوازن منطقه‌ای و عدالت اجتماعی به شمار می‌رود.

بانگاهی به آینده و چالش‌های پیش‌رو، می‌توان گفت که اصلاحات در وزارت تعاون نیازمند رویکردی جامع و هماگانی است، و بیکردی که در آن نه‌تنها به رفع مشکلات موجود پرداخته شود، بلکه زمینه‌های توسعه پایدار، افزایش بهره‌وری و ایجاد اعتماد عمومی در ساختارهای دولتی فراهم آید. تنها در این صورت است که امید به آینده‌ای روشن و عادلانه برای تمامی اقشار جامعه و توسعه یک اقتصاد مولد و کارآمد در سطح کشور به واقعیت می‌پیوندد.

